

«این یک واقعیت ناهنجار است وقتی که واتیکان به کاریکاتور محمد اعتراض می‌کند، کشیش‌ها روابط انسان‌ها را به بهانه‌ی اینکه مغایر طبیعت است، غیر قابل قبول می‌دانند و رئیس‌جمهور ایران در سازمان ملل، نور امام‌زمان را دور سرش می‌بیند در حالی که درباره‌ی برنامه‌ی اتمی کشورش سخنرانی می‌کند.»

داوکینز می‌گوید: «دنیا را تصور کنید بدون مذهب! دیگر ترورهای انتحاری، یازده سپتامبر، جنگ‌های صلیبی، سوزاندن جادوگران، نسل‌کشی بوسنی، کشتار یهودیان در اروپا، نا آرامی‌های ایرلند شمالی و مبلغان مذهبی که جیب مردم سادملوح را خالی می‌کنند، وجود نداشت. جهانی بدون طالبان، بدون رئیس‌جمهوری که سخنانش را با گفته‌های مسیح می‌آمیزد قبل از آنکه فرمان بمباران کشورها را بدهد، بهشت می‌شد.»

خیزش بی‌خدایان - از اسپینگل آلمان

نسل جدیدی از منتقدان و دانشمندان، خودشان را آماده می‌کنند تا جهان را از اسارت خداوند آزاد کنند. سلاح آنها، داروین، اینترنت و نارضایتی رو به رشد مردم از کشیش‌ها و آخوندهاست.

«پاپ» آنتیست‌های نوین در خانه‌ای که بیشتر شبیه کلیساست، زندگی می‌کند:

ریچارد داوکینز متفکر برجسته‌ای است برای همه آنانی که تصمیم گرفته‌اند، جهان را برای همیشه از اعتقادات مذهبی، ملاها و مجاهدین تمامی مذاهب، پاک کنند.

ریچارد داوکینز، زیست‌شناس در زمینه‌ی فرگشت (تکامل)، از طرف مجله‌ی انگلیسی «پروسپکت» و مجله‌ی امریکایی «فارین پلیسی»، به عنوان سومین روشنفکر اثرگذار دنیا انتخاب شده است.

داوکینز کتاب‌های مهمی نوشته است از جمله «ژن خودخواه»، اما با کتاب دیگر خود، «توهم خدا» که در سال 2006 در امریکا و انگلیس، سی هفته جزو پرفروش‌ترین کتاب‌ها بود، مشهور شد؛ کتابی که بسیار هیجان‌انگیز و با قدرت کلام شگفت‌انگیزی نوشته شده است.

او می‌گوید: «مذهب در بیست سال گذشته، خیلی راحت کارش را انجام داده است، چون افرادی که مذهبی هستند، ناخودآگاه از طرف دیگران به عنوان انسان‌های برجسته در نظر گرفته می‌شوند. به کشیش‌ها ارجح بسیاری نهاده شده و آنها را به تمامی «کمسیون‌های اخلاق» دعوت می‌کنند، اما حالا موضوع فرق کرده است؛ مردم از این جریان خسته شده‌اند و این با قدرت گرفتن اسلام بی ارتباط نیست. اکنون زمان درستی است برای نگاه و تفکری تازه برای تمام آنتیست‌های نوین.»

آنتیست‌ها، شعار «اعتقادی ندارم و این پسندیده است» را انتخاب کرده‌اند. سلاح آنها دانش و عقل است. برخلاف زمان فونرباخ و ولتر با استفاده از اینترنت، این شعار را هرکسی می‌تواند بشنود. آنها تصمیم دارند از بازگشت مذهب‌گرایی جلوگیری کنند.

خیلی از نظرات داوکینز مورد استقبال مردم قرار گرفته است. «خدا کتاب عهد عتیق یکی از نا مطلوب‌ترین شخصیت‌های تاریخ ادیان و ادبیات است؛ حسود، ناعادل، نژادپرست، متنفر از همجنس‌گرایان، قاتل کودکان، کوته‌بین، خود بزرگ‌بین و از بین برنده‌ی قومیت‌های کوچک.»

وقتی از او سؤال می‌شود که آیا آنتیست است؟ پاسخ می‌دهد: «اگر شما هم به زئوس، آپولو و گوساله‌ی طلایی فکر کنید، نمی‌توانید آنتیست نشوید. من تنها یک خدای دیگر به لیست خدایان اضافه می‌کنم.»

او درباره‌ی این‌که آیا شناسی برای آنتیست‌ها وجود دارد؟ در حالی‌که در امریکا، ۴۴ درصد مردم اعتقاد دارند که مسیح تا ۵۰ سال آینده ظهور خواهد کرد، می‌گوید: «فکر می‌کنم که شناس خوبی داریم، حالا به ویژه در اینترنت، بحث‌های گوناگونی در این باره می‌شود و خیلی‌ها از این‌که کسی پیدا شده که حرف دل آنها را می‌زند، خوشحال هستند.»

طرفداران آنتیسم‌آنتیسم نوین خود را Bright (روشن‌بین) می‌نامند. Bright کسی است که به دنیا نگاه طبیعی و فاقد از هرگونه نظر فراطبیعی دارد. آنها به ارواح، فرشتگان و خدا اعتقادی ندارند.

داو کینز می‌گوید: « شاید اصطلاح Bright کمی خودبزرگ‌بینانه باشد ولی در امریکا اصطلاح آنتیست خیلی بد تفسیر می‌شود درست مثل کلمه‌ی همجنس‌گرا.»

آنتیست‌ها در شهرهای بزرگ امریکا هر ماه دور هم جمع می‌شوند و نظرات‌شان را با یکدیگر مبادله می‌کنند. این نظرات را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: خدا وجود ندارد؛ وجودش غیر منطقی، نالازم و بدتر از همه خطرناک است. ادیان نه تنها نادرست بلکه به ضرر ما هستند.

آنتیست‌ها نگاهی به دنیا دارند که بر اساس دانش است. آنان جهان را بر اساس علم تفسیر می‌کنند. آنتیسم نوین با جبهه‌گیری جدید در مقابل مذهب خود را موظف می‌داند که نباید مثل گذشته با ادیان کنار آمد بلکه آنها حالا آنقدر مدرک در دست دارند تا بر سر واقعیت بچنگند.

اما آیا این قدرت‌طلبی و زیادخواهی نیستند که باعث زشتی و بدی در این کره‌ی خاکی می‌شوند؟

«جنگ بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در ایرلند شمالی به جهت اختلافات تئوریک مذهبی نیست بلکه هدف آنها انتقام است، انتقام‌گیری مابین انسان‌هایی که هیچ تفاوتی جز مذهب‌شان با یکدیگر ندارند و این تفاوت و مرزبندی توسط مدارس مذهبی زنده نگه داشته می‌شود.»

آنتیست‌ها در کشورهای که بیشتر مورد حملات تروریستی قرار گرفته‌اند، فعال‌ترند. آنها خودشان را در مقابل موجی قرار داده‌اند که می‌خواهد جهان را به سمت یک جهاد تمام عیار پیش ببرد. در امریکا رهبری آنتیست‌ها را کریستوفر هیچکمز به عهده گرفته است. پیام آخرین کتاب او این است: «خدا بزرگ نیست، مذهب هر چیزی را مسموم می‌کند، دشمن علم و پایه‌اش دروغ و ترس است، باعث نسل‌کشی، تبعیض نژادی و جنسیتی می‌شود.»

در فرانسه رهبری آنتیست‌ها به عهده‌ی میشل انفرای است. کتاب آخر او «ما به خدا نیازی نداریم» است. خود او می‌گوید که قادر است پایه‌گذار یک دین نوین باشد. در هلند آیان هیرسی علی، غرب را متهم به کوتاه‌بینی می‌کند اگر فکر کند، می‌تواند با اسلام گفت‌وگو کند. در ایتالیا پیر جورجو ادیفردی ریاضی‌دان، با مقاله‌اش «چرا می‌توانیم غیر مسیحی باشیم» سر و صدای بسیاری به پا کرده است.

حادثه‌ی یازدهم سپتامبر به این موج آنتیسم بسیار کمک کرده است. بسیاری از امریکایی‌ها، من جمله جری فارل بر این باور بودند که همجنس‌گرایی و فمینیسم مفرط، باعث فاجعه‌ی یازدهم سپتامبر شده و این کیفر جامعه‌ی گناهکار است، اما سام هریس دقیقاً ۱۲ سپتامبر شروع به نوشتن کتابی کرد که در آن یادآوری می‌کند که قهر خداوند دلیل فاجعه‌ی یازدهم سپتامبر نبود، بلکه خود خداوند. یک تحصیل‌کرده‌ی دانشگاه نمی‌توانست بدون اعتقاد به خداوند قبل از اصابت هواپیما، الله را فریاد بکشد و هواپیما را به ساختمان بکوبد. سام هریس می‌داند که تنها ۱۲ درصد امریکایی‌ها به طبیعی بودن رخدادهای طبیعی اعتقاد دارند و بسیاری از آنها فکر می‌کنند که دست یک دانای کل در همه چیز طبیعت در کار است.

هریس می‌گوید: «پس از یک صد سال پژوهش درباره‌ی عمر کره‌ی زمین، هنوز بیشتر از نیمی از امریکایی‌ها اعتقاد دارند که کل جهان ۶۰۰۰ سال پیش به وجود آمده است تقریباً ۱۰۰۰ سال بعد از آن‌که سومری‌ها چسب را اختراع کردند.»

او نمی‌توانست بپذیرد که نمایندگان امریکا از طرف افرادی انتخاب می‌شوند که اعتقاد دارند دایناسورها و موریانه‌ها در کشتی نوح بودند.

کتاب او «پایان اعتقاد مذهبی» با استقبال فراوانی روبرو شد؛ حالا او می‌داند که تنها نیست. هریس از دادن مجوز ترجمه‌ی عربی کتاب دیگرش «نامه به ملت مسیحی» خودداری کرد چراکه نمی‌خواست جان مترجم به خطر بیافتد.

مخالفان سرسخت آنتیسم، افرادی هستند که مخالفت‌شان مایه‌ی تعجب داو کینز است؛ چراکه اکثر آنها جزو دانشمندان هستند. دانشمندی که وجود خداوند ضربه‌ای به جهان‌بینی آنها وارد نمی‌کند برای مثال مایکل روسه یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان می‌گوید که با توجه به کتاب «توهم خدا»، آنتیست بودن برایش شرم‌آور است. یکی از پنج کتابی که در مقابل کتاب «توهم خدا» نوشته شده، کتاب «توهم داو کینز» نوشته‌ی آلیستر مک گارت، زیست‌شناس مولکولی دانشگاه آکسفورد است.

آلیستر مک گارت از کتاب داوکینز به جهت اقتباس‌های غیر دقیق اطلاعات، انتقاد می‌کند. به نظر او، نظریه‌ای که می‌گوید «اعتقاد به خدا مثل ویروس عمل می‌کند» از لحاظ علمی مردود است.

آنتیست‌های نوین نظرات گروهی مشخص از معتقدان به مذهب را انتخاب می‌کنند و به آنها حمله می‌کنند، اما برای مثال کمتر مؤمنی به طور جدی خداوند را مثل یک مرکز تلفن می‌پندارد که دائماً در حال جمع‌آوری دعاهای مؤمنین باشد و به آنها پاسخ دهد. آنها جملات کتاب‌های آسمانی را بدون آنکه به حکایات تمثیلی و شعرگونه‌ی آنها توجه کنند، تفسیر می‌کنند و اعتقاد به خدا را با قوانین مذهبی یکی می‌دانند. البته که می‌توان درباره‌ی ۵۱۲۰ قدیس کلیسای کاتولیک بحث و جدل کرد اما اینها با «اعتقاد به خداوند» ارتباط زیادی ندارند.

هابرماس همیشه از جامعه‌ی «پست سکولار» صحبت می‌کند و در گفت‌وگو با پاپ اذعان داشت که حتی حکومت‌های دموکراتیک به اعتقادات مذهبی جامعه‌ی مدنی تکیه می‌کنند تا استانداردهای خودشان را پیش ببرند.

پاپ می‌گوید که هرگز نمی‌شود خداوند را مقابل هیچ کس در یک کارزار سیاسی وارد کرد، اما این دقیقاً به هسته‌ی اصلی تفکر آنتیسم ربط دارد چراکه در اصل برای آنها وجود خداوند خیلی مهم نیست بلکه دلایل فاجعه‌ی یازدهم سپتامبر، آنها را هراسان کرده است.

اکنون زمان یک چرخش است. آیا غرب باید در مقابل اسلام‌گرایی به ریشه‌های مسیحی-یهودی خود بازگردد و با اعتماد به نفس در کلاسهای درس، صلیب آویزان کند؟

آنتیست‌ها خواهان کامل شدن آگاهی جامعه هستند و می‌گویند نه تنها اسلام بلکه تمامی مذاهب به هوش انسان بی‌احترامی می‌کنند و غرب نباید به هیچ عنوان از اصلاح‌طلبان و میانروهای اسلامی حمایت کند.

یان بروما در کتابش «روشنگری – بنیادگرایی» می‌نویسد: «نه هر مسلمانی و نه حتی هر مسلمان مؤمنی لزوماً مجاهد در راه خداست؛ باز شدن بیمارستان مسلمانان در ردت‌دام یا ساحل ویژه‌ی بانوان، نشانه‌ی اسلام‌زدگی جامعه‌ی غرب نیست بلکه یک موضوع کاملاً طبیعی و مترادف چیزی مثل رستوران گیاهخواران یا ساحل لختی‌ها است.»

سیستم راهیابی یک جامعه‌ی مدرن، نظرات ادیان مثل یک ماهواره‌ی دور اما مفید است. دموکراسی یک مجموعه‌ی تکثرگرا است که در آن اعتقاد مذهبی جزو لاینفک حریم خصوصی است و هرگز نخواهد مرد تا وقتی که ما از مرگ، تاریکی، غریبه و از یکدیگر می‌هراسیم.

منبع: اشپیگل